

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۳، پیاپی ۱۲۳، بهار ۱۳۹۶

بررسی روند شکل‌گیری و علل رقابت‌های تجاری در خلیج فارس و بازتاب آن در بندر کانتون چین (قرون یکم تا سوم هجری / هفتم تا نهم میلادی)^۱

عبدالرسول خیراندیش^۲
سیده زهرا زارعی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۰

چکیده

در دوران ساسانی تاجران زردشتی (پوسه) از مشهورترین تاجران اقیانوس هند و از جمله سواحل چین بودند که تجارت را در انحصار خود داشتند و اغلب نیازمندی‌های سرزمین‌های عرب‌نشین را نیز برآورده می‌کردند. زیرا تجار عرب غالباً به سفرهای تجاری شرق آفریقا می‌پرداختند؛ اما فتح ایران توسط عرب‌های مسلمان و تسلط آنان بر بنادر و سواحل خلیج فارس در قرون یکم و دوم هجری موجب فعال شدن تجار

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.11376.1191

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز؛ akheirandish@rose.shirazu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز؛ z.zarei88@yahoo.com

عرب (اباضی عمان و سپس عراقی) در کنار بازرگانان زردشتی در اقیانوس هند شد؛ چنان‌که آنان برای تجارت به سواحل چین به خصوص بندر «خانفوا» (کانتون یا گوانجوی امروزی) سفر می‌کردند. اما تحولات سیاسی خلیج فارس همواره منجر به رقابت یا اتحاد تاجران می‌شد که بر روابط و جایگاه آنان در بندر کانتون نیز تأثیرگذار بود. مقاله حاضر در پی مطالعه تأثیر تحولات تاریخ سیاسی خلیج فارس و رقابت‌های مذهبی - اقتصادی گروه‌های بازرگان در جامعه مبدأ در شکل‌گیری رقابت‌های مذکور در مهاجرنشین بندر کانتون چین است.

واژه‌های کلیدی: جامعه بازرگان خلیج فارس، کانتون (خانفوا)، تاجران پوسه (زرتشتی)، تاجران عراقی، تاجران اباضی.

۱. مقدمه

از سده سوم میلادی ساسانیان به تدریج به عنوان دولتی فراگیر بر سراسر خلیج فارس و برای مدتی بر دریای سرخ و شرق مدیترانه مسلط شدند و تجارت دریایی آنان تا چین نیز گسترش یافت. این امر به تأسیس مهاجرنشین‌های تجاری در اقیانوس هند منجر شد. در آن دوران در سایه وحدت سیاسی ایجادشده در مرزهای دولت ساسانی، تاجران «پوسه» (زرتشتی) انحصار تجارت هند و چین را در دست داشتند؛ اما با سقوط ساسانیان، دوره‌ای از تشتت سیاسی و تجاری آغاز گشت که از فتوحات تا برآمدن خلفای عباسی ادامه داشت. تفرقه سیاسی در ایران و قیام‌های علویان و خوارج موجب ناامنی و آشفتگی در فعالیت‌های تجاری و قطع ارتباط دریایی با چین شد. با برآمدن عباسیان در عراق (از ۱۳۲ هـ.ق) بصره از اردوگاهی نظامی برای فتح ایران، به بندر اصلی خلافت برای انجام تجارت در دریای چین تبدیل شد که این امر موجب رونق آن بندر از حدود ۱۴۰ تا ۲۵۵ هـ.ق شد. در این دوره تاجران عراقی به علت ثبات سیاسی در عراق، در بنادر چین نیز به برتری اقتصادی دست یافتند، چنان‌که در خانفوا به رقابت با تاجران زرتشتی پرداختند.

با توجه به شواهد فوق تحقیق حاضر بر آن است که تأثیر شرایط سیاسی حکومت‌های «بوم»^۱ خلیج فارس و گروه‌بندی‌های دینی (زرتشتی - مسلمان) جامعه تجار خلیج فارس در قرون اول تا سوم هجری را بر اوضاع تاجران مذکور در بندر کانتون بررسی کند. سؤال تحقیق: چه علل و روندی بر شکل‌گیری رقابت و گروه‌بندی بازرگانان زردشتی و مسلمان خلیج فارس در قرون یکم تا سوم هجری در بندر کانتون تأثیر نهادند؟ فرضیه، آن است که رقابت‌های دینی میان مسلمانان و زرتشتیان و دوره‌های بی‌ثباتی در خلیج فارس باعث اختلاف در امور مربوط به تجارت و رقابتی مخرب در میان جامعه بازرگانان خلیج فارس شده بود، به طوری که حتی دامنه این رقابت مخرب در بندر کانتون انعکاس یافت.

۲. پیشینه تحقیق

در این زمینه جورج حورانی کتاب *دریانوردی عرب در دریای هند* را تألیف کرده است که بیشتر بر امور دریانوردی عرب تمرکز دارد؛ البته مطالب مفیدی درباره احوال تاجران خلیج فارس خصوصاً فعالیت تاجران در چین دارد. مقاله عبدالرسول خیراندیش «*دریانوردی و تجارت زرتشتیان در خلیج فارس در قرون نخستین اسلامی*» نیز بر تجارت زرتشتیان و احوال آنان تمرکز دارد و همان‌طور که از عنوان مقاله برمی‌آید به اقتضای موضوع، ایشان به قشر تاجران زردشتی و سیرافی و دریانوردی آنان پرداخته که نقطه‌ای تاریک از روزگار گذار از عهد ساسانی به اسلامی و دگرگونی احوال تجار خلیج فارس در آن زمان را به تصویر می‌کشد. لوویتسکی محقق لهستانی نیز مقاله (*Les premiers commrcants Aarabes en Chine*) را تألیف کرده‌اند که مطالب مفیدی درباره پیشگامان عرب اباضی در امر تجارت با چین ارائه می‌دهد. از میان آثار محمدباقر وثوقی کتاب *علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس* برای بررسی زمینه رقابت‌های تجاری در خلیج فارس سودمند است. کتاب دیگر ایشان «*میراث دریانوردان ایرانی در*

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره واژه بوم ر.ک: عبدالرسول خیراندیش، (۱۳۹۱). «بازشناسی روابط ویژه بوم و بر در مرزهای جنوبی فلات ایران»، سومین همایش دوسالانه بین‌المللی خلیج فارس. صص ۱۸-۳۲.

بنادر چین» نیز به فعالیت تاجران ایرانی، عرب و مهاجرنشین‌های مسلمان در چین تمرکز دارد که با توجه به استفاده از منابع چینی و شواهد باستان‌شناختی در آن سامان، اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی بازرگانان قابل‌پی‌گیری است. اما موضوع مقاله حاضر این تفاوت ماهوی را با کتاب دکتر وثوقی دارد که این مقاله با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی نوشته شده است، در صورتی که کتاب دکتر وثوقی از جنس مطالعه سندی - باستان‌شناختی است.

۳. روش تحقیق

در مقاله مورد نظر، روش تحقیق تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی به کار رفته است. ابزارهای مورد استفاده در این مقاله منابع مکتوب در وسیع‌ترین شکل آن از منابع تاریخی، جغرافیایی، سفرنامه‌ها، و منابع ادبی تا گزارش‌های باستان‌شناختی و نیز مشاهده میدانی برخی بنادر و سواحل خلیج فارس به خصوص سیراف است.

۴. مقایسه منزلت اجتماعی و همبستگی بازرگانان در ادیان زردشتی و اسلام

به نظر می‌رسد منشأ تفاوت صنف (پیشه)^۱ تجار زرتشتی و صنف تجار مسلمان ناشی از نوع نگاه آنان به تجارت و وجه غالب معیشت هر دو گروه بوده است، چنان‌که در نظر زرتشتیان کشاورزی مبنای تولید ثروت (دینکرد پنجم، ۱۳۸۸: ۵۸) و تاجران در کنار پیشه‌وران چهارمین و پائین‌ترین^۲ طبقه جامعه عصر ساسانی را تشکیل می‌دادند (Tafazzoli, 1974) (191) اما در کارنامه اردشیر بابکان ضمن نکوهش شغل بازرگانی، از طبقه تجار یا حتی رئیس آنان به عنوان درباریان ذکری نیامده است (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۸۲: ۱۰۵، ۱۰۳، ۱۳ و ۱۴۳). بازرگانان نیز رئیسی غیرزرتشتی و اغلب مسیحی با لقب «هوتخشان»^۳ داشتند. بنابراین چنین دینی قاعدتاً نمی‌توانسته مشوق تجارت باشد، یا دست کم تاجران زردشتی

1. Pēšah
2. Wāzārgānīh
3. Hutusān

فقط به اتکای دلایل دینی نمی توانستند به همبستگی دست یابند. اما در عوض رقیبی چون اعراب مسلمان می توانست عامل اتحاد و همبستگی آنان علیه دیگران باشد.

تجارت در اسلام، جایگاه متفاوتی داشت. اسلام اساساً دینی شهری و تجاری بود و در محافل تجاری چون مکه ظهور یافته بود و پیامبر (ص) و اجداد و برخی از صحابه ایشان چون ابوبکر، عمر و عثمان بن عفان تاجر پیشه بودند (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۲۱۴).^۱ بنابراین با توسعه اسلام در منطقه خاورمیانه (دنیای اسلام) زمینه های دینی برای تحرک اجتماعی و اعتلای طبقه بازرگان پدیدار گشت. از سوی دیگر آموزه های قرآنی،^۲ سنت پیامبر (ص) و احادیث بزرگان اسلام (ابن بابویه، ۱۴۰۹: ۴ / ۲۲۰، ۲۵۹، ۲۶۱؛ کلینی، ۱۳۶۹: ۵ / ۱۴۸، ۳۱۹) مسلمانان را به تجارت توصیه و تشویق فراوانی کرده اند. اهمیت روزافزون تجارت نزد مسلمانان چنان شد که از حدود سده سوم هجری در کتب فقه، بابتی در احکام تجارت نوشته شد و تاجران قبل از پرداختن به کار تجارت ملزم به آموختن آن بودند. تاجر توانگر در قرن چهارم هجری مظهر تمدن اسلامی به شمار می آمد (متز، ۱۳۶۲: ۲ / ۲۰۶-۲۰۵). اهمیت سرمایه در احکام اسلام تا حدی بود که مال (سرمایه) ستون مهره حیات مادی و زیور زندگانی دنیا معرفی و علاقه به ثروت همپایه عشق به فرزند مشروع دانسته شده است (سوره الکهف، آیه ۴۶).^۳

از نظر اجتماعی آنچه باعث همبستگی جامعه خصوصاً زردشتیان تاجر در این دو قرن می شد، طبق نظریه ی تقسیم کار اجتماعی دورکیم همان معیارهای همبستگی اجتماعی همانندی یا خودبه خودی (مکانیکی)^۴ بود که حتی شاید در ابتدا این معیارها باعث اتحاد

۱. چنان که ابوطالب عطر فروش، ابوسفیان بن حرب کشمش فروش و چرم فروش بود. همچنین ابوبکر صدیق و عثمان و

طلحه شغل بزازی داشتند. رک: احمد بن عمر ابن رسته. *الأعلاق النفیسه*. بیروت: دار صادر ۱۸۹۲م. ص ۲۱۴

۲. در قرآن کریم در چندین سوره کلمه «تجارت» به کار رفته است که از آن جمله اند: سوره بقره در آیه ۱۶ و

آیه ۲۸۲؛ سوره فاطر آیه ۲۹؛ سوره نساء آیه ۲۹؛ سوره نور آیه ۳۷؛ سوره جمعه آیه ۱۰ و ۱۱

۳. «المال و البنون زینة الحیوة الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املاً».

۴. طبق نظریه تقسیم کار اجتماعی دورکیم، دو مدل همبستگی اجتماعی عامل اتحاد جوامع بوده است؛ «همبستگی خودبه خودی (مکانیکی)» یا «همبستگی از راه همانندی» و دیگری «همبستگی ناشی از تقسیم کار» یا «همبستگی آلی». اما همبستگی همانندی با جامعه های اولیه تطبیق داشت که دین اساس آن را تشکیل می داد و هیچ گونه فرقه گرایی را بر نمی تافت. آنچه باعث انسجام این جامعه می شد، «وجدان عمومی» یا «وجدان جمعی» بود. حقوق مربوط به این نوع

بیشتر تاجران زردشتی می‌شد، چنان‌که عقاید مشترک و محافظت از آن عقیده، عامل اتحاد و همبستگی و مقاومت جمعی بود (دورکیم، ۱۳۹۲: ۹۵)، زیرا در این جوامع دین پایه ساختمان خانوادگی را تشکیل و در تمامی عناصر حیات اجتماعی نفوذ داشت (همان: ۱۶۰). بنابراین شاید اعتقاد مشترک به آیین زردشت ضامن بقای جامعه تاجر زردشتی در دو قرن اول هجری در برابر اعراب فاتح در سواحل خلیج فارس بود. اما با مهاجرت اعراب به سواحل ایران، ساحل‌نشینان خلیج فارس دارای ساختار اجتماعی عشیره‌ای خاص خود شدند، که به قول دورکیم «همبستگی خودبه‌خودی ناشی از همانندی‌ها» (همان: ۱۴۵) با تغییر دین زردشتیان به اسلام به تدریج سست‌تر شد. بنابراین می‌توان در تطبیق این نظریه گفت که گرویدن زردشتیان به دین اسلام همانندی‌های سنتی را از میان برد و به همبستگی اجتماعی زردشتیان ضربه وارد کرد. بنابراین شاید رابطه تاجران ایرانی (زردشتی) با سایر تاجران عرب سواحل خلیج فارس رابطه‌ای همراه با رقابت بوده است. از سوی دیگر شاید بتوان گفت در طول دو قرن نخستین اسلامی، «همبستگی اجتماعی از نوع همانندی» (دوره ساسانی) به عنوان تقریباً رایج‌ترین همبستگی اجتماعی سنتی، اندک‌اندک رو به زوال رفت، و به تدریج با رشد شهرنشینی، «همبستگی آلی (تقسیم کار)» (دورکیم، ۱۳۹۲: ۱۵۷) بر آن تفوق یافت. به عبارت دیگر، دو قرن نخستین هجری را شاید بتوان دوره گذار تاجران خلیج فارس از «همبستگی همانندی» به «همبستگی آلی» (ناشی از تقسیم کار) معرفی کرد.

شواهدی چند در تقویت فرضیات فوق در منابع به چشم می‌خورد که از آن جمله‌اند: همبستگی میان تاجران قبیله عدولی از هَجَرِ بحرین به رهبری ابن یامین در عهد جاهلیت (طرفه‌بن‌العبد، ۱۳۷۷: ۴۴ و ۳۱ و ۳۹) که شاید قابل مقایسه با اتحاد میان تیره‌ها و کلان‌های اشراف ایرانی زمین‌دار (قارن، سورن و مهران) در عهد ساسانی (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۷) باشد. بنابراین شاید اشاراتی به مبانی خویشاوندی (توارث طبقاتی و خونی برای تخصیص مزایای

همبستگی حقوق جزایی (تنبیهی) بود. بنابراین در این نوع حقوق، منافع فردی نیستند بلکه اجتماعی هستند (دورکیم، ۱۳۹۲: ۸۷، ۹۳ و ۹۶). اما همبستگی اجتماعی ناشی از تقسیم کار یا همبستگی آلی دارای معیارهای خاص خود بود. عامل اصلی تشکیل همبستگی آلی، توزیع پیوسته انواع کارهای متفاوت بشری بود. بنابراین تقسیم کار عامل تعیین‌کننده و انسجام جوامع آلی است (دورکیم، ۱۳۹۲: ۶۳).

اجتماعی و اقتصادی) و همانندی همبستگی در میان تاجران عهد باستان اعم از ایرانی و عرب باشد.

ظهور اسلام و مورد تهدید قرار گرفتن آیین زردشتی موجب شد که هر گروه در آغاز به دفاع از دین خود پرداخته، و جنبش‌های بومسلمیه، زنادقه و حتی انتساب خلافت عباسی به «عجمیه» در برابر خلافت اموی موسوم به «شامیه» برپا شد. اینان کمابیش همه در پی احیای ایرانیت بودند (سرخوش کرتیس و استوارت، ۱۳۹۲: ۱۰) اما اسلام آوردن تدریجی ایرانیان به ویژه تاجران سواحل خلیج فارس که در نام‌های تاجران نومسلمان زردشتی زاده (الرامهرمزی، ۱۸۸۶: ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۶ و ۱۴۴) اشاره به درهم ریختن مبانی خویشاوندی، وراثت و حتی مبانی دینی و اهمیت یافتن روابط همشهری‌گری (از قبیل رقابت کوفیان و بصریان) (الیعقوبی، ۱۴۲۲: ۲۳۸-۲۳۹) یا رقابت عمانیان با قرامطه و سیرافیان (ابن- جوزی، ۱۹۹۲ / ۱۲: ۲۹۰؛ و همان، ۱۰ / ۶۵) و در نتیجه تغییر نوع همبستگی میان تاجران از همانندی به نوع آلی (تقسیم کار) شد.

بنابراین شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که در یک سیر کلی، عامل همبستگی صنفی جوامع تجار خلیج فارس از روابط نزدیک خویشاوندی (ارث و خون مشترک) در عهد ساسانی به منافع جمعی قبیله‌گی در قرن اول هجری و بعد از آل‌بویه به همبستگی ناشی از تقسیم کار، تخصص و منافع مشترک تغییر یافت.

۵. میراث سیاست اقتصادی ساسانیان و فعالیت تاجران پو-سی (پارسی)

در مبادلات دریایی با چین

سواحل و بنادر خلیج فارس در دوره ساسانی بسیار پررونق بودند. توجه ویژه شاهان ساسانی به سیاست شهرسازی در این منطقه (از قبیل بندرسازی‌های اردشیر بابکان و شاپور یکم) (الاصفهانی، بی تا: ۸-۳۷) موجب تحولاتی در سطوح منطقه‌ای (فتح عمان و هجر توسط شاپور) و جهانی (رقابت خسرو انوشیروان و خسرو پرویز با رومیان بر سر راه‌های دریایی اقیانوس هند) شد. همچنین سلطه موقت ساسانیان بر هر دو دریای سرخ و خلیج فارس، نوعی اتحاد جغرافیایی و چرخه کاملی از تجارت دریایی در نیمه غربی اقیانوس هند را پدید آورد که زمینه‌های توسعه خلیج فارس طی سده‌های سوم تا هفتم میلادی را ممکن

ساخت و تاثیرات وسیعی در دادوستدهای دریایی خلیج فارس داشت. بقایای سرامیک‌های کوره‌ها و سبک‌های متنوع واردشده به جنوب ایران در دوره سلسله تانگ، گواه این حقیقت است که بنادر فارس به عنوان مراکز بازرگانی و دادوستد کالا با چین خصوصاً بندر کانتون عمل می‌کردند. در همان حال موقعیت سیاسی بر اهمیت تجارت دریایی افزود و از عهد ساسانی بنادر خلیج فارس مرکزیت بیشتری در دریانوردی اقیانوس هند یافتند و بازرگانان ایرانی و هیئت‌های رسمی از سوی دولت ساسانی از خلیج فارس به چین می‌رفتند؛ چنان که صاحب‌منصبی ساسانی با واژه چینی «سا- پائو»^۱ شناخته می‌شد و در «سی- نان»^۲ استقرار داشت (Daryaei, 2003: 9). از سوی دیگر، اوضاع سیاسی چین (۴۲۰ تا ۵۹۸ میلادی) منجر به تقسیم چین به دو بخش «شمالی و جنوبی» شد که مهم‌ترین نتیجه آن مهاجرت بزرگ قوم «هان» به نواحی جنوب رودخانه یانگ - تسه و استقرار قبایل شمالی در مسیر جاده ابریشم و ناامن شدن این جاده برای بازرگانان بود و زمینه لازم برای گسترش ارتباط دریایی بین چین، هند و ایران فراهم شد (وثوقی، ۱۳۹۵: ۳۹)، چنان که تاجران ساسانی کالاهای منطقه خلیج فارس را با کشتی‌های ایرانی به خاور دور حمل می‌کردند. بنابراین بنادر و مراکز تجاری مهمی در عهد ساسانیان در سواحل و بوم خلیج فارس چون توچ (محل اتصال بیشاپور پایتخت شاپور یکم به دریای پارس)، ریشهر، سیراف (محل اتصال مسیر شهر گور به خلیج فارس) صحار، قلهاات و اوال (جزیره بحرین) سر بر آوردند (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۸۲: ۹-۴۳).

بندر ابله در اواخر عهد ساسانی (انوشیروان تا جانشینان خسرو پرویز) مهم‌ترین بندر تجاری عراق خصوصاً در تجارت با چین بود. آنجا در رأس خلیج فارس و گلوگاه ارتباطی پایتخت (تیسفون) مبدأ تجارت مستقیم بازرگانان ایرانی (غالباً بازرگانان عمده پایتخت‌نشین) با بازرگانان چینی عهد سلسله تانگ بود. منابع قرون اولیه اسلامی نیز ابله را «فرج الهند» نامیده، (طبری، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۳) و تاجران از آنجا با کشتی‌هایی موسوم به «خیطی» که ساخت ابله بود تا چین سفر می‌کردند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹۹).

1. Sa-pao
2. Si-nan

در واقع بنادر اصلی ایرانی خلیج فارس (سیراف و ابله) از طریق راه‌های بوم «ایران شهر» به پایتخت‌های ساسانیان (بیشابور، گور، تیسفون) متصل می‌شد و احتمالاً محل تجمع بازرگانان مسافر (سواحل) را به محل تجمع بازرگانان بزرگ خزان (خزان‌دار) (تاجران پایتخت‌نشین بازار معروف تیسفون) متصل می‌کرد. با توجه به زیرساخت‌های فوق‌الذکر، به تدریج طبقه‌ای از بازرگانان در عهد ساسانیان احیا شد و دامنه فعالیت‌های خود را در دریاها تا چین توسعه داد، که شرح آن در زیر آمده است:

۶. تاجران «پو-سه» (پارسی یا زردشتی) در چین

در اسناد چینی میانه سده‌های چهارم تا دوازدهم میلادی از ایرانیان زرتشتی و سرزمین آنان با نام «پو-سه»، «پو-سو»^۱ معادل چینی «پارسا» و «پارس» یاد شده است؛ (Whitehouse and Williamson, 1569: 43). همچنین در منبع چینی تانگ شو مملکت پارس ساسانی را «پو-سه» و در مقابل اعراب را «تا-شه» (مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۹/۲-۷۱۸)، «تاشیه» (مسلمانان عربی زبان ایرانی) نوشته‌اند (سیرافی، ۱۳۸۱: ۲۴) و به قیافه‌های ملوانان ایرانی و به ویژه بینی‌های بزرگ و قوس دار آن‌ها اشاره شده است (ستوده‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶-۵۵). منابعی چون تواریخ «کیو-وی»^۲ (تألیف ۳۰۶م.) و هسو پیائو^۳ (تألیف قرن پنجم میلادی)، (Whitehouse and Williamson, 1569: 44-46)، وی-شو^۴ و سوی-شو^۵ اشاراتی به کالاهای پو-سه کرده‌اند که حکایت از حضور ایرانیان در چین دارد. فهرست کالاهای صادراتی توسط تاجران «بو سی»^۶ (پوسه) به چین، از قبیل مرجان، عنبر، عقیق جگری، مروارید درشت، شیشه‌های شفاف و کدر، سنگ بلور، الماس، فولاد، جیوه، کندر، گیاه مُر، زردچوبه، حریر گلدار و مشجر، زربفت (پارچه ابریشمی گل برجسته)، ململ موصلی، فلفل سیاه، فلفل دراز، خرما، گیاه تاج‌الملوک (اقونیطون)، خولنجان شیرین (=خسرودار، از خانواده زنجبیل) و ... (Chau-ju-kua, 1965:16) حکایت از اهمیت، وسعت، تنوع و

1. Po-ssü
2. Ku-wei
3. Hsu Piao

۴. Wei-shu کتابی تاریخی است که در سال ۵۷۲ م. نگاشته شده است. (Chau-ju-kua, 1965: 16)

۵. این کتاب مربوط به وقایع سلسله سوئی میان ۶۱۷-۵۸۱ م. است. (Chau-ju-kua, 1965: 16)

6. Bosi

بین‌المللی بودن کسب و کار تاجران ساسانی و نقش واسطه‌گری آنان میان شبه‌جزیره عربی و چین دارد؛ چنان‌که لوویتسکی بازرگانان ایرانی را اصلی‌ترین واردکنندگان محصولات شبه‌جزیره عربی به چین دانسته است. او چنین استدلال کرده است که دلیل این امر آن بود که دریانوردان و تاجران عرب در زمان قبل از اسلام و نیز در عهد خلافت اموی به بنادر مختلف آسیای جنوبی و آفریقای شرقی رفت‌وآمد می‌کردند و خطر رفتن به دوردست‌های شرق را متحمل نمی‌شدند (Lewicki, 1935: 174-175).

منابع باستان‌شناختی نیز روابط تجاری ایران ساسانی با بندر گوانجو (کانتون) از طریق مسیر دریایی خلیج فارس را تأیید می‌کنند (Frye, 1993: 62-64).^۱ از سوی دیگر، تاجران ایرانی نیز برای به انحصار درآوردن تجارت شرق آسیا، مراکزی را در چین احداث کردند، چنان‌که در پایان قرن دوم هجری / هشتم میلادی دادوستد منظم و دائمی با چین استوار شده بود (Whitehouse and Williamson, 1969: 47-49) و تاجران پوسه کمابیش تاجرانی بی‌رقیب و واسطه تجارت چین با شبه‌جزیره عربی بودند.

تجارت دوره ساسانی توسط شرکایی از افراد عادی موسوم به «همبایی»^۲ [در فارسی نو: انباز به معنای شریک] یا جماعات دینی انجام می‌شد که سرمایه‌های خود را به اشتراک گذاشته و شرکت تشکیل داده بودند. این اتحادیه‌ها در زمینه قوانین و مقررات حاکم بر خرید و فروش تولیدات مهارت داشتند (Frye, 1993: 62-64). این شکل مالکیت در اواخر دوره ساسانی رواج داشت و نه تنها کتاب *مادیان هزارداستان* (کتاب هزار حکم [حقوقی]) بلکه کتاب *یشوبوخت* (به زبان سریانی) از اصل شراکت یاد کرده‌اند (مرد بهرامان، ۱۳۹۱: ۹۳). اما با وجود تشکّل‌های صنفی کمابیش مستقل مذکور در میان بازرگانان پارسی، رشد بازرگانی دریایی ساسانیان بیش از هر چیز مرهون مداخلات مستقیم دولت بوده است (Whitehouse and Williamson, 1969: 40).^۳ لذا به نظر می‌رسد که سقوط دولت

1. Ying-dak
2. hambāyih

۳. زیرا هدف اولیه، سیادت تام بر خلیج فارس و دوم گسترش دادوستد پرسود بین هندوستان، سیلان و غرب بوده است و دولت ساسانی از حوزه فعالیت آنها تا عدن و سیلان پشتیبانی می‌کرد (Whitehouse and Williamson, 1969: 40).

ساسانی زمینه را برای زوال تدریجی کار و نفوذ بازرگانان پارسی و در نتیجه پیشی گرفتن تجار عرب فراهم کرد.

۷. دوره برتری و انحصار بصره در رأس خلیج فارس (قرون یکم تا سوم هجری)

در نیمه نخست قرن یکم هجری / هفتم میلادی فتوحات مسلمانان منجر به سقوط ساسانیان و از بین رفتن نظام مرزبانی و وحدت سیاسی ایران شد. این امر منجر به توجه مسلمانان و مهاجرت آنان به بنادر شمالی خلیج فارس و تحرک اجتماعی فعال تری شد. بنابراین یکی از جبهه های فتوحات اسلامی در همان مسیر تجاری خلیج فارس صورت گرفت که از عمان و بحرین به ایالت فارس می آمد، چنان که فتح بحرین در سال ۱۴ هـ ق مقدمه ای برای فتح عمان، جزیره بنی کاوان (قشم)، جزیره قیس (کیش)، توج و سراسر فارس (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۷۵-۲۷۱) و بندر ابله (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۳۳) مشهورترین بندر خلیج فارس شد. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۸۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۲۳، ۳۰). فتوحات اسلامی در نواحی ساحلی و داخلی فارس نتایج متنوعی برای بازرگانان و تجارت منطقه خلیج فارس دربر داشت که از آن جمله اند:

۱. سلطه اعراب مسلمان بر بسیاری از زمین های زیر کشت «بوم» (نواحی داخلی اردشیرخوره و شاپورخوره) و «بر» (کرانه و سواحل، سیفها) خلیج فارس موجب رانده شدن زمینداران سابق ساسانی زردشتی به تجارت و حضور بیشتر زرتشتیان در نواحی گرمسیر ساحلی شد؛ (خیراندیش، ۱۳۹۱: ۱۵۴ و ۱۵۸) مانند سکونت زرتشتیان در سیراف (Whitehouse and Williamson, 1569: 19).
۲. تشدید روند و افزایش حجم مهاجرت اقوام، به خصوص اعراب، به خلیج فارس به معنی تراکم جمعیت در منطقه بود. در نتیجه عدم پاسخ گویی اقتصاد کشاورزی و زمینداری برای تأمین نیازهای معیشتی جمعیت متراکم خلیج فارس، بسیاری از مردم به تجارت رو آوردند.

۳. تراکم جمعیت به‌نوبه خود بازاری متراکم و پرتقاضا در خلیج فارس به وجود آورده بود. این امر کسب و کار بازرگانان را به تدریج رونق داد و جاذبه‌ای برای افزایش جمعیت تجار شد؛ امری که احتمالاً به تدریج به پیدایش تقسیم کار و تخصص حرفه‌ای میان اصناف مختلف بازرگانان منجر شد.

از سوی دیگر، بصره که در ابتدا (اصطخری، ۱۳۴۷: ۸۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۳۳-۱۶۲) لشکرگاه بود، در قرن دوم هجری پس از برقراری ثبات در نواحی فتح‌شده، به پررونق‌ترین مرکز تجاری رأس خلیج فارس و حتی نیمه غربی اقیانوس هند تبدیل شد و به عنوان مهم‌ترین بندر عراق عباسی، گروه‌های ثروتمندی از تجار را در خود گرد آورد و آبادانی و رونق آنجا عاملی برای جذب نیروی کار گسترده به خصوص پیشه‌وران از دیگر نواحی شد. بنابراین بصره بندر اصلی تجارت شهری، لنگرگاه و بارانداز کشتی‌ها و قایق‌های حمل کالا، مراکز مالی، آزادی تجارت مسیحیان و یهودیان و دیگر گروه‌های دینی (وثوقی، ۱۳۸۹: ۹-۶۸) و بازاری برای تجارت با هند شد (ندوی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). از سوی دیگر، انتقال پایتخت از دمشق اموی به بغداد عباسی (۱۴۹هـ.ق) موجب بازگشت اهمیت سیاسی خلیج فارس در عهد عباسی شد. این امر موجب تمرکز اقتصادی خلافت اسلامی در بصره شد، چنان‌که کالاها از واسط، بصره، اهواز، فارس، عمان، یمامه و بحرین از یک سو به دجله و از سوی دیگر تاجران کالاهای رقه، سوریه، مصر و آفریقای شمالی را با قایق به فرات حمل و سپس از طریق نهر عیسی به بغداد می‌رساندند. بدین ترتیب، تاجران عراقی به صادرات خرما، حنا، خز بصری، پارچه‌های ابله، انواع پوشاک ابریشمی و حصیرهای زیبا مشغول بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۶۵، ۱۸۱-۱۷۸).

۸. برآمدن تجار عرب (عمانی و عراقی) و رقابت با بازرگانان زرتشتی در خانفوا (قرن یکم تا سوم هجری)

منابع چینی غالباً به مبلغان مذهبی و سفارت‌های سیاسی اعزامی از سوی خلافت به دربار تانگ اشاراتی دارند: طبق روایت منبع چینی مین - شو،^۱ اولین بار در سال ۶۱۸م. فردی

مسلمان برای ترویج اسلام به کانتون سفر کرده است (Chau-ju-kua, 1965: 14-15). البته برخی از این مبلغان، محدثان و علما برای تأمین معاش و خرج سفرهای خود به تجارت می‌پرداختند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۳۳۱-۳۲۵). پس بعید نیست که کسب سود تجاری نیز از انگیزه‌های این سفرها بوده باشد. خلیفه سوم عثمان بن عفان نیز در سال ۳۱ هـ/ ۶۵۱ م سفیری را با هدایا و نامه‌ای به دربار چین فرستاد و به پادشاه چین اعلام کرد که سه خلیفه به مدت سی و چهار سال حکومت کرده‌اند. با توجه به این که عثمان بن عفان پیش از اسلام تاجر بوده است، شاید علاوه بر اعلام سقوط ساسانیان و تبلیغ پیام اسلام، برای برقراری ارتباط تجاری اقدام به اعزام سفیر به چین کرده است. ارسال سفرا در سال ۹۴ هـ/ ۷۱۳ م. و ۱۰۸ هـ/ ۷۲۶ م. به چین ادامه داشت و سفرا در آن سال اسبان زیبایی را با خود به چین بردند (Bretschneider, 1871: 8) که شاید مقدمه‌ای برای تجارت اسب از خلیج فارس به هند و چین بوده است. همچنین کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۴ هـ/ ۷۴۲ م. در یکی از مساجد چین وجود دارد که اشاره به ورود اسلام به چین دارد (پوزان و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۹). ساخت مسجد به معنی گردآمدن جمعیت قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان در آن ناحیه بوده است. از سوی دیگر با سقوط دولت ساسانی به دست اعراب مسلمان، عرب‌ها وارث دریانوردی میان خلیج فارس و چین شدند (سیرافی، ۱۳۸۱: ۲۵)، چنان که تجار عرب برای سفرهای طولانی از خلیج فارس به افریقا، چین و هند از تقویم دریانوردی (نوروز دریا) زرتشتیان استفاده می‌کردند (خیراندیش، ۱۳۸۷: ۳۴۷-۲۵۱). البته پیشگامان مسلمانان در تجارت به سوی چین دریانوردان ایرانی بودند که قبل از آن در دربار خلفا خدمت می‌کردند (Lewicki, 1935: 175-176). وجود بقایای کشتی عربی یا هندی یافت شده (قرن سوم هجری) در اعماق آب‌های ساحلی اندونزی، سفر تاجران عرب به چین را تأیید می‌کند؛ خصوصاً که محموله این کشتی سرامیک‌های چینی بوده است که در شهر چین تولید می‌شد و به احتمال به سمت خاورمیانه در راه بوده است (Flecker, 2001: 335-354). از سوی دیگر، هم‌زمان با تأسیس بغداد، توسعه و رونق بندر بصره در قرن دوم هجری، فعالیت اعراب و ایرانیان مسلمان در کار بازرگانی در هند و چین و... نیز افزایش یافت. البته این بدان معنا نیست که تاجران زرتشتی به یک‌باره از کار تجارت با چین دست

برداشتند یا از گردونه رقابت خارج شدند؛ زیرا پس از فتح فارس توسط اعراب، زرتشتیان به مناطق گرمسیر، سواحل و مناطقی چون هندوستان مهاجرت کردند و به امر تجارت روی آوردند اما از اواخر قرن دوم هجری، خلافت با جابه‌جا کردن و استقرار قبایل عرب بنی‌زهیر، بنی‌صفار و بنی‌عمار در «سیف‌های (ساحلی)» و دریافت عشور دریا، بر تاجران زرتشتی مسلط شد (خیراندیش، ۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۵۸). همچنین در قرن دوم هجری، تاجران عمانی - اباضی چون ابوعبیده عبدالله بن قاسم (حدود ۱۴۰ هـ ق / ۷۵۸ م) و النصر بن میمون (حدود اواخر قرن دوم هجری) برای تجارت به چین سفر کرده‌اند. ابوعبیده از پیشگامان و تاجران نامدار عرب در شرق خصوصاً در زمینه تجارت مُر^۱ و عود با چین بوده است. ظاهراً در زمان ابوعبیده نیز تاجران به صورت شراکت با اتحادیه‌های تجاری به امر تجارت می‌پرداختند، چنان‌که او برای خرید و فروش عود با یک شرکت تجاری شریک شد و بابت آن ۲۰ دینار پرداخت کرد (Lewicki, 1935: 179-181). یکی از دلایل برآمدن تاجران عمانی در تجارت با چین، موقعیت مناسب جغرافیایی عمان بر سر راه مستقیم به چین و نیز برقراری ثبات در عمان به واسطه سلطه اباضیان بود. در این دوران تاجران «تایشه» در کنار تاجران «پوسه» (زرتشتیان پارسی‌گوی) به امر دریانوردی و تجارت مشغول شدند (حورانی، ۱۳۳۸: ۸۲) و با آغاز قرن یکم هجری مهاجرنشین‌های خارجی ساکن در کانتون را اغلب ایرانی‌ها و عرب‌ها تشکیل می‌دادند؛ البته به تدریج تعداد زیادی از این مهاجران بین سال‌های ۶۱۸-۶۲۶ م. به کانتون وارد شده‌اند. اما این مهاجرنشین‌ها از قرن سوم هجری در تجارت با چین اهمیت یافتند (Chau-ju-kua, 1965: 14-15). ظاهراً تاجران اموی در چین مشهور به «تاشی‌های سپیدجامه» و تاجران عراقی مشهور به «تاشی‌های سیاه‌جامه» بودند (Bretschneider, 1871: 8-10) و عواملی چند تا قرن سوم هجری باعث فعال‌تر شدن تاجران عراقی در کنار تاجران زرتشتی در کانتون و دیگر بنادر جنوب و شرق چین شد: ۱- بغداد (پایتخت عباسیان) به‌عنوان مرکز مدیریت تجارت با چین عمل می‌کرد، زیرا بغداد دارای جمعیت و ثروت فراوانی شده بود و دربار خلافت خود از مصرف‌کنندگان

۱. صمغی بود که از درختی خاردار (خار مُغیلان) تولید می‌شد و در عربستان می‌روید. از این صمغ در ترکیب روغن

مقدس کلیساها استفاده می‌شد. ر.ک: ابن العبری، ۱۳۷۷: ۴۵۱

کالا‌های تجملی و زینتی بود و این بر فعال شدن تاجران عراقی می‌افزود. بازارهای بغداد چنان رونق داشت که چینی‌ها آنجا را «بازار عمومی بومیان بهشت غربی» به شمار می‌آوردند که بازرگانان خارجی سرزمین تائی - شی (مسلمانان) در آنجا گرد می‌آمدند (Chau-ju-kua, 1965: 102). علاوه بر تاجران مسلمان، تعداد بسیاری از تجار بزرگ ایرانی، یهودی (رازانیه؟) و مسیحی در این شهر سکونت و ثروت‌های عظیم گرد آورده و برای وزرای خلفا به منزله بانکداران دولتی بودند (دوری، ۱۳۷۵: ۱۲۴-۱۲۵). همچنین برخی از سیاست‌های مالی خلفا، تاجران بصره را در موقعیتی برتر از تاجران زردشتی و دیگر تاجران قرار می‌داد و به عبارتی دیگر تاجران مسلمان در رقابت با دیگر تاجران فرصت و امتیاز بیشتری را برای کسب سود به دست می‌آوردند؛ چنان‌که در زمان خلفای راشدین از «تاجر مسلم» پنج صدم (پنج درهم از هر صد درهم) از «تجار العهد» (تاجران اهل ذمه) یک بیستم، و از «تجار الحرب» (که به لشکرگاه مجاهدان کالا می‌آوردند) یک دهم برحسب درهم، مالیات اخذ می‌شد (المقریزی، ۱۴۱۸: ۱/۱۹۴). همچنین برخی از خلفا در دوران عباسی چون خلیفه واثق‌بالله (۲۳۲-۲۲۷هـ.ق) گاه با بخشیدن مالیات ده یک تاجرانی که وارد دریای چین می‌شدند، تاجران را تشویق به تجارت با چین می‌کرد. البته این بخشش پس از وقوع آتش‌سوزی وسیعی در بغداد و در نتیجه کمبود کالا‌های چینی در آنجا اتفاق افتاد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/۵۱۱). یکی از بازارهای شهر بغداد مشهور به «بازار خضیر» بود که مرکز «طرائف الصین» (طرفه‌های چین) بود (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۴۹). البته یافته‌های ظروف چینی در سیراف نشان می‌دهد که کالا‌های چینی از بندر سیراف به بغداد برده می‌شد (Whitehouse, 1968: 16). بنابراین بغداد بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالا‌های وارداتی بود و به دلیل حضور تاجران ثروتمند در آنجا، سیل کالا‌های تجملی به این شهر سرازیر می‌شد. به احتمال خضیر نام تاجر یا فردی ثروتمند بود که بانی یا مستأجر راسته بازار کالا‌های چینی بوده است. زیرا بازارهای بغداد به فروشندگان و تجار به طور سالانه به قیمت دوازده میلیون درهم اجاره داده می‌شد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۵۰).

۲- سیاست تجاری سلسله تانگ عامل مهمی در جذب بازرگانان به خانقوا بود، چنان‌که در چین از مسلمانان مالیات اخذ نمی‌شد (Chaffee, 2008: 117). این امر در قیمت‌نهایی

کالا تأثیر می‌گذاشت و این خود انگیزه‌ای برای تشکیل نمایندگی‌های تجاری توسط تاجران خلیج فارس، خصوصاً تاجران عراقی، و در نتیجه تشکیل جماعت‌های تجاری اسلامی در بلاد دیگر از جمله بندر خانفوا می‌شد. به نظر می‌رسد در این صورت تاجر ساکن در خانفوا نماینده تاجر انباردار (عمده‌فروش - مقیم) در خلیج فارس (بصره - بغداد و سیراف و دیگر نواحی خلیج فارس) بود که معمولاً تاجری ثروتمند به شمار می‌آمد که توسط پسران یا غلامانش در دیگر بلاد نمایندگی تجاری تأسیس می‌کرد و تاجران سفار^۱ را به عنوان مباشر سفرهای تجاری شرکت اقتصادی خود استخدام می‌کرد. رسم دادوستد و بازرگانی در خانفوا به گونه‌ای بود که تاجران را تشویق به آمدن و آمدن به آنجا می‌کرد، چنان که هرگاه بازرگانان از راه دریا کالا به چین وارد می‌کردند، کالاهای آنان انبار می‌شد تا آخرین تاجران دریا به بندر وارد شوند. کالاهای انبارشده برای شش ماه در برابر هرگونه خسارتی ضمانت می‌شد، سپس دولت سی درصد کالاها را از تاجران به صورت نقدی و به بالاترین قیمت خریداری می‌کرد و مابقی کالاها را به بازرگانان بازمی‌گرداند و پادشاه در خرید کالا به کسی ستم نمی‌کرد (سیرافی، ۱۳۸۱: ۶۹). امپراتور تانگ خود با فرستادن خواجگان مورد اعتمادش، از خریداران اصلی کالاهای وارده به خانفوا بود. او همچنین برای خرید کالای تجار، همگی آنان را احضار می‌کرد و سپس اقدام به خرید کالا می‌کرد و به امنیت تجار در خانفوا اهمیت فراوانی می‌داد، چنان‌که در موردی از تاجری سمرقندی که از خلیج فارس به خانفوا سفر کرده بود، به شکایت او رسیدگی کامل کرد. (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۹-۱۳۸). بنابراین امپراتور چین با اتکا به قدرت خود حامی امنیت، سود و سرمایه تاجران بود و با کیفیت‌ترین کالاهای وارداتی را به گران‌ترین قیمت از تاجران خارجی می‌خرید که این شرایط به تجمع و اقامت تجار در کانتون منجر شد. در قرن سوم هجری حضور تاجران عراقی در کانتون چندان بود که رونق دریای چین و هند به واسطه

۱. برخی بازرگانان کثیرالسفر بودند و منابع عربی قرن چهارم هجری در ضمن تعریفی از مسافره و تاجران سفار از اینان با اصطلاح «التجار الموغلین فی الأسفار» (تاجرانی که به سفرهای دور و دراز می‌روند) یاد کرده‌اند (تنوخی، ۱۹۷۱: ۲: ۳۶۰). در قرن پنجم هجری عنصرالمعالی بازرگانی را به دو شکل مسافره و معامله به قرار ذیل تقسیم کرده است: «بر هر دو روی بازرگانی دلیری است و ناپاکی بر مال و بر تن. و با دلیری باید که راستی و امانت دارد و طریق دیانت سپرد و از بهر سود خویش زیان دیگران نخواهد و به طمع سود سوزش دل خلق نجوید» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

آمد و شد آنان به آن بندر بوده است (سیرافی، ۱۳۸۱: ۸۹). سیرافی نیز تأکید می‌کند که «خانفوا همان شهری است که بازرگانان عرب بدانجا می‌رفتند» (همان، ۹۰). بنابراین به سبب احترام و تشویق فراوان حکومت تانگ، تعداد زیادی از بازرگانان عرب و ایرانی در چین سکونت گزیدند. برخی از تاجران با خانواده خود مهاجرت، و برخی دیگر در چین با دختران چینی ازدواج می‌کردند. از سوی دیگر چینیان همسران غیرچینی تاجران را «زنان پارسی» و یا «زیبارویان بوسارمان» می‌نامیدند. ظاهراً واژه چینی «بوسارمان» تصحیفی از کلمه فارسی «مسلمان» بوده است. فرزندان آنان که در چین متولد می‌شدند به «میهمانان متولد چین» مشهور بودند (جین یوان، بی تا: ۱۵). امپراتوران تانگ معمولاً تاجری مسلمان را برای صادر کردن احکام و قضاوت میان جماعت مسلمان در آنجا انتخاب می‌کردند (سیرافی، ۱۳۸۱: ۵۶، ۸۹) که اغلب از میان محتشم‌ترین تجار مسلمان تعیین می‌شد و با تأیید و فرمان رسمی دولت چین انجام وظیفه می‌کرد. در کانتون نیز دیوانی تحت فرمان ملک التجار (شاه بندر؟) وجود داشت که مسئول پاسخ‌گویی به شکایات چینیان در باب عدم پرداخت وام‌ها، قرض‌ها، بهره و سود وام‌های خارجی و مسئول بررسی مدت زمان بازپرداخت وام‌ها بود. بازپرداخت قرض‌ها معمولاً با کالا و طبق قیمت و نرخ آن‌ها در زمان آغاز اقامت در بازار آنجا تعیین می‌شد و از تاجران دو برابر مبلغ وام، دریافت می‌شد (Chau-ju-kua, 1965: 16).

اعطای حقوق مدنی و حتی کنسولی به جماعات مهاجرنشین مسلمان توسط حکومت تانگ هم نشانه همبستگی روبه‌افزایش و نفوذ روبه‌رشد تجار مسلمان در اقتصاد و جامعه چین بود و هم نشانه اراده سیاسی دربار چین برای توسعه ارتباط تجاری و سیاسی با خلافت عباسی و آسیای غربی بود. این امر تاجران مسلمان به خصوص عراقیان (و بصریان) را در تجارت دریایی چین در موقعیتی برتر از دیگران قرار داد.

۹. بازتاب رقابت تاجران عراقی و تاجران زرتشتی در خانفوا و قطع موقت تجارت دریایی با چین (۱۴۱ هـ.ق / ۷۵۸ م.)

در سال ۷۵۸ م. / ۱۴۱ هـ.ق در «آغاز دوره کی-ین-یونن (۷۵۹-۷۵۸ م.) گروهی از مردم پو-سه به دنبال تا-شه-ها (تازیان) بناگاه به ولایت (دریایی) کانتون حمله بردند، انبارهای غلات و

مخازن سکنه آنجا را به آتش کشیدند و سپس از همان راه دریا پس نشستند. ولی طی دوره تا-لی (۷۷۹-۷۶۶ م) از نو به ادای احترام آمدند» (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲/۷۲۷). البته دلایل آن غارت (Chau-ju-kua, 1965: 14-15) و این عذرخواهی نامعلوم است. هادی حسن و به تبع او حورانی نیز چنین برداشت کرده‌اند که مردمان تازی و پارسی باهم شهر بندری کانتون را غارت کردند، سوزاندند و از راه دریا برگشتند (Hasan, 1928: 102 و حورانی، ۱۳۳۸: ۸۴) این واقعه موجب کمبود کالا در کانتون، و گرانی و کمیابی کالا در بغداد شد (سیرافی، ۱۳۸۱: ۵۶). اما علی مظاهری در تعلیقه‌ای که بر این قسمت از تانگ‌شو نوشته، چنین برداشت کرده است: «این پارسیانی که از طریق دریا به کانتون تجاوز می‌کنند، پارسیان بصره و خلیج فارس یعنی خوارج [اباضی؟] اند که به تابعیت حکومت عباسیان درآمده بودند» (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲/۷۲۷). استنباط نگارندگان موافق با برداشت مظاهری است، اما با این تکمله ادامه می‌یابد که ایرانیان همچنان در برابر سلطه عرب مقاومت می‌کردند و این بار در اواسط قرن هشتم میلادی در قالب خوارج به مهاجرنشین‌های عربی حمله کرده بودند که جایگزین مهاجرنشین قدیمی‌تر پارسیان زردشتی روزگارساسانی شده بودند. در واقع ایرانیان می‌خواستند با این حمله، مهاجرنشین ایرانی را جایگزین مهاجرنشین عرب کنند، زیرا به نظر می‌رسد که در این بین، خلافت با اعزام سفیرانی، با ابزارهای دیپلماتیک خواسته - و موقتاً توانسته بود- که مهاجرنشین نویناد عرب مسلمان را در برابر مهاجرنشین قدیمی‌تر پارسی زرتشتی تقویت کند و ترجیح بخشد. اما از آنجا که تانگ‌شو می‌نویسد که حمله ایرانیان خوارج خلیج فارسی به کانتون موقت بود و پس از حمله دوباره از راه دریا عقب نشسته بودند، و بعد از مدتی نیز دوباره روابط احترام‌آمیزی میان پارسیان و دربار چین برقرار شد، بنابراین حمله بیشتر ایدایی یا غارتی به منظور تخریب تأسیسات اقتصادی (انبارها و مخازن) و سرمایه مهاجرنشین عرب در آنجا بوده است. به احتمال قوی انگیزه اقتصادی این امر، بازگرداندن مسیرهای تجاری به بنادر ایرانی - خوارجی خلیج فارس چون سیراف و عمان بود تا از سلطه‌گری عباسیان و تجار عرب مسلمان عراقی بر تجارت دریایی چین و تغییر راه‌های آن به عراق، جلوگیری کنند. در واقع در زیر پوسته این حوادث، رقابت جامعه بازرگانان ایرانی (زرتشتی) با جامعه تجاری عرب سنی حامی

خلافت عباسی (تجّار عراقی) را می‌توان دید. بنا به گزارش حورانی در سال‌های ۷۵۸ م. / ۱۴۱ هـ.ق در تاریخ تانگ (ماجرای کانتون و سوزاندن آنجا) این آخرین ذکری است که از پو-سه در سالنامه‌های چینی به میان می‌آید؛ درحالی‌که همان زمان مردم تاشه همچو یک جامعه بیگانه در کنار آن‌ها پیدا شده‌اند (حورانی، ۱۳۳۸: ۸۴). به نظر می‌رسد آمدن نام پوسی‌ها برای آخرین بار در سال ۷۵۸ م. / ۱۴۱ هـ.ق و ماجرای سوزاندن کانتون شاهدهی بر رقابت تاجران زرتشتی و عرب و بیرون رانده شدن تاجران ایرانی و کم‌اهمیت شدن آنان است. بنابراین نظریه رقابت میان تاجران ایرانی و عرب و سوزاندن کانتون به دنبال گرفتن انتقام از اعراب تقویت می‌شود. یکی دیگر از شواهد تاییدکننده تحلیل فوق و از مستندات حاکی از تداوم نفوذ ایرانیان در بندر کانتون و حتی در دربار و پایتخت چین، مقاماتی است که خانواده ایرانی لی-سو در مراکز نامبرده به دست آورده بود: چنان‌که سنگ قبری در نزدیکی شهر «شی-آن» پایتخت سلسله تانگ پیدا شده است، که طبق کتیبه آن، متعلق به یکی از اشراف ایرانی است که نام خانوادگی او «لی-سو» و همسرش از یک قبیله ترک به نام «بی-شی» بوده است. لی-سو در گوانجو (کانتون) رشد یافته و پدر او بین سال‌های ۷۷۰-۷۵۶ م / ۱۵۳-۱۳۹ هـ.ق معاون حاکم بندر گوانجو بوده است. لی-سو خود در سال ۷۷۶ م / ۱۵۹ هـ.ق در یکی از بخش‌های اداری سلسله تانگ استخدام شده، و پس از مهاجرت به پایتخت، این کتیبه در شهر شی-آن به دستور او نوشته شده است. لی-سو شش فرزند داشته که البته ابتدای اسم همه آنان همچون نام معمول نسطوری‌ها «جیانگ» بوده و همگی آنان در دستگاه اداری سلسله تانگ و در بخش‌های مختلف کار می‌کرده‌اند. (وثوقی، ۱۳۹۵: ۷۶-۷۷).

اما این سؤال باقی می‌ماند که چرا پسر لی-سو به پایتخت مهاجرت کرده بود؟ آیا این بدان معنی بود که ایرانی‌ها در کانتون دیگر محبوب یا صاحب نفوذ نبودند؟ در پاسخ می‌توان فرض کرد که با توجه به این که آنان در طی دوره تا-لی (۷۷۹-۷۶۶ م.) از نو به ادای احترام آمدند، به احتمال از عقب‌افتادن تدریجی ایرانیان در رقابت با اعراب حکایت داشت.

در سال ۱۷۶۰م. / ۱۴۳هـ ق فردی شورشی به نام «تین سین کینگ» شهر هانگ‌چئو^۱ را مورد تاخت و تاز قرار داد و به روایتی «هزاران» تن از ساکنان تاشی و پو-سه‌ها را از دم تیغ گذرانید. آنچه از این شواهد استنباط می‌شود این است که در سال ۱۷۶۰م. / ۱۴۳هـ ق گروهی از جمعیت پوسه در چین سکونت و کشتی‌های آنان به چین رفت و آمد داشته‌اند. البته در کنار تاجران پوسه گروهی از شیعیان فراری از خلافت اموی نیز به جزیره‌ای در چین پناهنده (Whitehouse and Williamson, 1569: 44) و واسطه دادوستد میان چینی‌ها و بیگانگان شدند (حورانی، ۱۳۳۸: ۸۴). شاید بتوان چنین حدس زد که کشتار هزار تن از تایشه‌ها و پوسه‌ها به دلیل شورش آنان در سال ۱۵۷۸م. / ۱۴۱هـ ق بوده است.

در سال ۱۸۴۵م. / ۲۳۱هـ ق به فرمان فغفور و و-تسونگ، خانقاه‌های بودائیان دولتی شد و موبدان زرتشتی (مو-هوب) و نسطوری (راهبان تا-تسین) که ظاهراً تعداد آنان به سه هزار نفر می‌رسید، طرد شدند (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲/۷۲۶). حال این سؤال پیش می‌آید که آیا اخراج زرتشتیان از چین حکایت از رقابت مسلمانان با زرتشتیان ندارد؟ در صورتی که در تمام خیابان‌های اصلی شهر «چانگ‌آن» (پایتخت) بازرگانان مسلمان دیده می‌شدند و در شرق و غرب شهر مغازه‌های خارجیان و اقامتگاه‌های متعلق به مردم تاشی و پارسیان وجود داشته است که در آن‌ها کالای غرب آسیا و آفریقا از جمله عاج، شاخ کرگدن، ادویه و جواهرات عرضه می‌شد (جین‌یوان، بی تا: ۱۳ و Williamson, 1974: 78).

از سوی دیگر دولت چین به محصولاتی چون شاخ کرگدن و لاک لاکپشت احتیاج داشت و این کالاها در شرق آفریقا تهیه می‌شد، لذا اعراب نیز به دریانوردی در شرق آفریقا مشغول بودند، بنابراین تاجران خلیج فارس به عنوان واسطه‌هایی در اتصال شرق آفریقا به چین نیز فعال شدند. ارسال سفیرهای متعدد و رفت و آمد تجار حکایت از نفوذ و رقابت عرب‌ها با زرتشتیان در چین دارد؛ چنان‌که تاجری عراقی از خاندان قریش، که از فرزندان هبار بن اسود و از ثروتمندان شهر بود، به دلیل ویرانی بصره، در اثر شورش صاحب‌الزنج (۲۵۵-۲۶۵هـ)، به سیراف مهاجرت کرد و از آنجا با یک کشتی هندی و سپس از کشتی به کشتی دیگر نشسته تا به چین رسید. او در چین ادعا کرده که از خاندان

نبوت عرب است. نماینده فغفور نیز درباره او از تجار خانفوا تحقیق و آنان ادعای او را تأیید کردند. میان این تاجر عرب و فغفور چین صحبت‌هایی رد و بدل شده است که حکایت از رقابت تاجران عراقی با تاجران زرتشتی دارد؛ چنان‌که او زرتشتیان را از عبادت کنندگان آتش و سجده کنندگان به خورشید و ماه معرفی می‌کند که اعراب با کمک خدای یگانه آنان را شکست دادند و بر مملکت ثروتمند آنان چیره شدند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۴۳-۱۳۹).

از تحلیل این روایت چنین برمی‌آید:

۱. ساسانیان در نظر پادشاه چین مردمی محترم، عاقل و ثروتمند و با شهرتی جهانی بودند. پادشاه چین از سقوط ساسانیان و تسلط اعراب بر ایران خبر داشته است و شاید تاجران و یا مهاجران زرتشتی به چین او را از این امر آگاه کرده بودند. البته از اواخر دوره ساسانی، پیروز دوم (۶۳۱ تا ۶۳۷ م.) سفیران متعددی برای کمک گرفتن از پادشاه چین در برابر اعراب به دربار پادشاه فرستاد که البته بی نتیجه مانده بود.
۲. این گزارش‌ها نشان از رفت و آمد پر رونق اعراب و تاجران عرب به چین دارد و پادشاه خانفوا برای اثبات ادعای تاجر قریشی از دیگر تاجران تحقیق کرده که این به احتمال نشان‌دهنده مهاجرنشین تاجران عرب در خانفوا و یا حداقل تعداد زیادی از آنان در خانفواست که نسب تاجر عرب قریشی را تأیید کردند. بنابراین تاجران اعراب در کنار تاجران زرتشتی افرادی شناخته شده بودند.
۳. پادشاه چین پیامبر اسلام را می‌شناخته برای ایشان احترام قائل بوده و تصویر پیامبران را نگاه می‌داشته است. این نشانه‌ای از نفوذ فزاینده مسلمانان در جامعه و اقتصاد چین آن دوران به شمار می‌آید.
۴. به نظر می‌رسد در دربار پادشاه چین اعرابی بودند که مسلط به زبان چینی و عربی بوده‌اند، زیرا این مترجمان گفته‌های پادشاه را برای عرب قریشی ترجمه می‌کردند. در روایتی دیگر سخن از مترجمانی است که سخنان یک

سمرقندی (به زبان سغدی؟) را به چینی ترجمه می‌کردند. آیا تعداد و اهمیت مترجمان عربی‌دان نسبت به مترجمان ایرانی (از قبیل سغدیان سمرقند) افزایش یافته بود؟ آیا رقابت میان عرب و ایرانی، که در روایت فوق در خلال صحبت امپراتور و سید قریشی آشکار است، در رقابت میان زبان عربی و زبان‌های ایرانی بر سر احراز جایگاه زبان بین‌المللی تجارت در اقیانوس هند نیز منعکس می‌شد؟

۵. سید قریشی مذکور که از فرزندان هبار بن اسود بود، در ملاقات با فغفور تانگ خود را از عموزادگان پیامبر و خویشاوند او معرفی کرده و خلیفگان از جمله عباسیان معاصرش را بازماندگان و جانشینان او معرفی کرده و حتی از ایشان دفاع کرده است. این شواهد این حدس را به ذهن متبادر می‌کند که شاید این تاجر مال‌باخته به تجارت پرسود اما خطرناک اطلاعات (جاسوسی) به چین رفته بود یا حتی به نوعی فرستاده‌ای غیررسمی از سوی خلفا به دربار چین بوده است. به طور مشابهی فغفور نیز با پرسیدن سؤالاتی از جریان انتقال قدرت از ایرانیان زردشتی به اعراب مسلمان، می‌خواسته آگاهی و موضع خود را در روابط با «عراق» به‌روز کند. آشکار است که چنین آگاهی و در نتیجه تغییر موضعی، بر سرنوشت تاجران زردشتی و مسلمان تأثیری ملموس می‌نهاد.

نتیجه

در دوره ساسانی تاجران زرتشتی پارسی (پو-سی) تنها فعالان تجاری خلیج فارس در کانتون به شمار می‌آمدند. اما با سقوط دولت ساسانی و برآمدن اعراب در ایران طی دو قرن اول هجری، تاجران زرتشتی و عرب نیز در آنجا فعال شدند. به دلیل تفاوت‌های دینی میان آنان رقابت وجود داشته است و حتی فعالیت‌های برای حذف یکدیگر انجام داده‌اند. اما در قرن سوم در اثر یکدستی خلیج فارس از نظر مذهبی و مسلمان شدن تاجران زرتشتی، دوران نفوذ و غلبه تاجران مسلمان در کانتون آغاز شد. هرچند غلبه با تاجران زردشتی‌زاده نومه‌مسلمان بود، اما تاجران عرب که شامل تاجران عراقی و عمانی می‌شدند در تجارت با

کانتون فعال بودند. به طور کلی می‌توان روند شکل‌گیری رقابت و علل برآمدن و زوال گروه‌های مختلف تاجران خلیج فارس در تجارت با بندر کانتون را در تحولات سیاسی منطقه خلیج فارس جستجو کرد که عبارت بودند از: برافتادن ساسانیان زردشتی و برآمدن اعراب مسلمان در قرن یکم هجری، انتقال پایتخت از دمشق اموی به بغداد عباسی در نیمه نخست قرن دوم هجری، تشکیل امامت اباضی در عمان در قرن سوم هجری. برآمدن هر یک از این مناطق و دولت‌ها موجب رونق موقت کسب و کار بازرگانان مربوطه و برتری آنان در رقابت مورد بحث در بندر کانتون می‌شد، که این خود شرایط عمومی تجارت را تحت تأثیر قرار می‌داد.

در پاسخ به سؤال اصلی و در ارزیابی فرضیه تحقیق به نظر می‌رسد که به دلایل فوق، روند این تغییرات سیاسی - اقتصادی گروه‌بندی میان تاجران خلیج فارس را از واسطه‌گری تاجران عرب در سطح منطقه‌ای در اواخر عهد ساسانی، به هم‌نمایی در عین تفاوت در قرون اول و دوم هجری، به رقابت و در نهایت برتری تاجران مسلمان بر زردشتی در قرن سوم هجری رساند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن العبری (۱۳۷۷). *مختصر تاریخ الدول*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: علمی فرهنگی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۹). *من لایحضره الفقیه*، ترجمه علی‌اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، تهران: صدوق.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه ابن بلخی*. تصحیح منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- اردشیر بابکان. *کارنامه اردشیر بابکان*. ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۲.

- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد (۱۳۴۷). **المسالک و الممالک**. تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پرو کوپیوس (۱۳۶۵). **جنگ‌های ایران و روم**. ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- جین یوان، فنگک (بی‌تا). **فرهنگ اسلامی در چین**. ترجمه محمدجواد امیدوارنیا، تهران: بین‌المللی الهدی.
- حورانی، جرج (۱۳۳۸). **دریانوردی عرب در دریای هند**. تهران: بی‌نا.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۷). «نوروز دریا مبنای تقویمی دریانوردی، تجارت و زراعت در منطقه خلیج فارس»، **همایش خلیج فارس: فرهنگ و تمدن**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی. صص ۲۵۹-۲۴۷.
- _____ (۱۳۹۱). «بازشناسی روابط ویژه بوم و بر در مرزهای جنوبی فلات ایران»، **سومین همایش دوسالانه بین‌المللی خلیج فارس**. تهران: دانشگاه تهران، صص ۳۲-۱۸.
- _____ (۱۳۹۱). «دریانوردی و تجارت زرتشتیان در خلیج فارس در قرون نخستین اسلامی»، **مجموعه مقالات همایش خلیج فارس**. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۶۱-۱۵۲.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۲). **درباره تقسیم کار اجتماعی**. ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز. چاپ پنجم.
- **دینکرد پنجم** (۱۳۸۸). آوانویسی. ترجمه و تعلیقات ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: معین.
- ستوده‌نژاد، شهاب (۱۳۸۳). **بازتاب تمدن‌های اشکانی - ساسانی بر سه پادشاهی در شبه جزیره کره**. تهران: آشیانه کتاب.

- سرخوش کرتیس، وستا و استوارت، سارا (۱۳۹۲). **برآمدن اسلام**. ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- سیرافی، سلیمان تاجر (۱۳۸۳). **سلسله‌التواریخ یا اخبارالصین والهند**. ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: اساطیر.
- عنصرالمعالی. کیکاوس بن اسکندر بن قابوس (۱۳۸۳). **قابوس‌نامه**. مصحح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- قیم، عبدالنبی (۱۳۸۴). **فرهنگ معاصر عربی - فارسی**، تهران: فرهنگ معاصر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). **أصول الکافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة.
- کیان‌راد، خسرو (۱۳۸۵). **جامعه و اقتصاد عصر ساسانی**. تهران: سخن.
- متز، آدام (۱۳۶۲). **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری**. ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
- مردبهرامان. فرخ (۱۳۹۱). **مادیان هزار دادستان**. تهران: نشر علمی.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۳۸۲). **مروج الذهب**. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مظاهری، علی‌اکبر (۱۳۸۸). **جاده ابریشم**. ترجمه ملک ناصر نویان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱). **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**. ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی.
- ندوی، سلیمان (۱۳۸۴). «روابط بازرگانی مسلمانان و هندوستان»، **نامه تاریخ پژوهان**. سال یکم، شماره اول.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴). **تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار**. تهران: سمت.

_____ (۱۳۸۹). **علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس**. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

_____ (۱۳۹۵). **میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین (بندر گوانجو، چوانجو، خانجو)**. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

منابع عربی و لاتین

_____ ابن الجوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۹۹۲). **المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک**. تصحیح محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ ابن خردادبه، عیبدالله بن عبدالله (۱۹۹۲). **المسالك و الممالک**. بیروت: دار صادر.

_____ ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲). **الأعلاق النفیسة**. بیروت: دار صادر.

_____ اصفهانی، حمزة بن الحسن (بی‌تا). **تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء علیهم الصلاه و السلام**. بیروت: دار مکتبه الحیاة.

_____ بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸ م). **فتوح البلدان**. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

_____ تنوخی، أبوعلی محسن بن علی (۱۹۷۱). **نشوار المحاضره و أخبار المذاکره. تنوخی**. بیروت.

_____ الحصری، احمد (۱۹۸۶). **السیاسه الاقتصادیه و النظم المالیه فی الفقه الاسلامی**. بیروت: دارالکتاب العربی.

_____ خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷). **تاریخ بغداد**. تصحیح: عطا، مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ الدوری، عبدالعزیز (۱۹۹۹). **تاریخ العراق الاقتصادی فی القرن الرابع الهجری**. الطبع الرابعه. بیروت: مرکز دراسات الواحده العربیه.

_____ الرامهرمزی، بزرگ بن شهریار (۱۸۸۶)؛ **کتاب عجایب الهند** ou Livre des marvilles de l'Inde, edit. P.A. Lith. Leide

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق). **تاریخ الامم و الملوك**، تاریخ الطبری. مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث العربی.
- القیس. امروء، ابن العبد. طرفه و ابی سلمی، زهیر و دیگران (۱۳۷۷). **معلقات سبع**. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.
- المقریزی، تقی الدین احمد بن علی، (۱۴۱۸). **المواعظ والاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزیه**، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الیعقوبی، احمد ابن اسحاق (۱۴۲۲). **البلدان**. مصحح محمد امین ضناوی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- Bretschneider. E, "On the knowledge possessed by the ancient Chinese of the Arabs and the Arabian colonies and the other western countries mentioned in Chinese books. (London: Trübner and paternoster row, 1871).
- Chaffee. John, (2008). "Merchants and Quanzhou in the late Yuan- early Ming: Conjectures on the ending of the Medieval Muslim trade diaspora", *the EastAsian> Mediterranean<: Maritime crossroads of Culture, Commerce and Human Migration. Edited by Angela Schottenhammer* . Wiesbaden: Harrssowitz.
- Chau. Ju-kua, chu-fan-ehi: on the Chinese and Arab Trad in the Twelfth and Thlrteenth Centuries, Friedrich Hirth and W.W.Rockhill, (Taipei , Literature House, Ltd: 1965).
- Daryee, Touraj. (2003) "The Persian Gulf Trade in Late Antiquity", *Journal of World History*. Vol. 14, No 1, pp.1-16.
- Flecker. Michael (Feb. 2001)" A ninth-century AD Arab or Indian Shipwerck in Indonesia: first evidence for direct trade with China" *World Archaeology*,pp.335-354.
- Frye. R.N, (1993). "Commerce III. In The Sasanian periods", *Encyclopaedia Iranica*. Vol VI, pp.62- 64.
- Hasan. Hadi. (1928). *A History of Persian Vavigation*.London.
- Lewicki. Tadeusz , "Les premiers commrcants Aarabes en Chine". (*Rocznik Orientalistyczny*, 1935), V. 11, pp. 173- 186 .

- Tafazzoli. A, "A list of the trades and crafts in the Sassanian period", (Archaeologische Mitteilungen aus Iran, 1974), Vol 7, pp. 191-196.
- Whitehouse, David, (1968) "Excavations at Sīrāf; First Interim Report" Iran, Vol. 6, pp. 1-22.
- Whitehouse. David, Andrew Williamson ,(1569). *Sasanian maritime trade*. Arya national shipping lines.
- Williamson, Andrew (28-29 June 1974) "Harvard archaeological survey in Oman, 1973: III-Sohar and the sea trade of Oman in the tenth century A.D", *Proceedings of the seminar of seventh Seminar for Arabian Studies*, Cambridge: the Middle East Centre. pp. 78-96.